



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسائلی را از تحریرالوسیلة عرض کردیم و به اینجا رسیدیم که: «مسألة ۵۶ - لو وقف علی مسجد فمع الاطلاق صرفت منافعه فی تعمیره وضوئه وفرشه وخادمه، ولو زاد شیء يعطی لإمامه»^۱.

گفتیم سه جور وقف داریم؛ وقف خاص، وقف عام که دو قسم است وقف بر جهت و وقف عناوین کلیه، وقف بر مسجد وقف بر جهت می باشد.

کلام در این است که این ترتیبی که برای وقف بر مسجد ذکر کردند و در آخر فرمودند اگر اضافه آمد يعطی لإمامه دلیلش چیست؟.

(در شبهات موضوعیه به عرف عام و لغت مراجعه می شود مثلاً گفته شده آب پاک کننده است ولی الان با خاک مخلوط و گل شده حالا اینکه آیا هنوز آب محسوب می شود یا نه باید به عرف رجوع کنیم و اما در شبهات حکمیه باید به شارع رجوع کنیم، منشأ شبهه حکمیه یا عدم النص یا اجمال النص یا تعارض النصین می باشد، اگر شبهه بدویه باشد مجرای براءت است اگر مقرون به علم اجمالی باشد مجرای اشتغال است که شبهه محصوره و غیر محصوره دارد، اگر حالت سابقه داشته باشد مجرای استصحاب است خلاصه همه اینها را ما باید در دست داشته باشیم و اگر حل نشد به اصول رجوع می کنیم).

اینطور که امام رضوان الله علیه فرمودند مشکل است خصوصاً که زمان و مکان فرق می کند گاهی امام مسجد رکن مسجد است و اگر نباشد مسجد به طور کلی تعطیل می شود اما گاهی اینطور نیست بلکه اشخاص مختلفی امامت جماعت می کنند و طوری نیست که امام یک نفر و رکن مسجد باشد.

ایشان در مسئله بعدی می فرمایند: «مسألة ۵۷ - لو وقف علی مشهد یصرف فی تعمیره وضوئه وخادمه المواظبن لبعض الاشتغال اللازمة المتعلقة به»^۲.

در ایران امام زاده های فراوانی وجود دارد که همین نشانه علاقه و اعتقاد مردم ما به اهل بیت علیهم السلام می باشد، یکی از مطالبی که از ما خیلی می پرسند این است که مردم خیلی برای این امام زاده ها وقف می کردند منتهی گفتند که این موقوفات را در یک جا جمع می کنند و بعداً آن را برای امام زاده ها خرج می کنند که این درست نیست زیرا واقف پول را برای امام زاده مشخصی داده و نمی شود در جای دیگری خرج کرد زیرا بر خلاف نیت واقف خواهد بود "إن الوقوف علی ما یوقفها أهلها" باید نیت واقف در نظر گرفته شود و بر اساس آن نیت باید عائدات هر امام زاده را برای خود همان امام زاده خرج شود.

مسئله بعدی: «مسألة ۵۸ - لو وقف علی سید الشهداء علیه السلام یصرف فی إقامة تعزیته من أجره القارئ وما یتعارف صرفه فی المجلس للمستمعین وغیرهم»^۳.

امام رضوان الله علیه وقف بر سید الشهداء علیه السلام را منصرف در عزاداری کرده ولی ظاهراً اینطور نباشد و این فرمایش ایشان خالی از تأمل نیست زیرا وقف بر سید الشهداء علیه السلام فقط منحصر در عزاداری نیست بلکه مثلاً برای شناساندن و تاریخ و خواندن احادیث حضرت نیز می توان مصرف کرد علی آئی حال برای فهمیدن نظر واقف در این موارد باید به اهل عرف رجوع کنیم.

خب و اما یک مسئله دیگری در شرایع مطرح شده: «السابعة إذا وقف مسجداً فخرّب و خربت القرية أو الخلة لم یعد إلى ملك الواقف و لا تخرج العرصة عن الوقف و لو أخذ السبل میتا فیئس منه کان الکفن للورثة (زیرا وقتی انسان مُرد اول کفن و دوم دیون و سوم وصیت و چهارم میراث در نظر گرفته می شود و در فرض مذکور کفن به وارث بر می گردد)»^۴.

^۱ تحریر الوسیلة، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۷۴.

^۲ تحریر الوسیلة، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۷۴.

^۳ شرایع، علامه حلی، ج ۲، ص ۱۷۴، ط اسماعیلیان.

^۱ تحریر الوسیلة، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۷۴.

معلوم است که در اجتماع هر چیزی که مسئول و مدیری ندارد حاکم شرع مسئول آن می باشد لذا باید به فقیه مراجعه شود تا تکلیفش مشخص شود و در اینجا ایشان می فرماید عرصه مسجد هنوز از وقف خارج نشده لذا باید به فقیه مراجعه شود زیرا بالاخره مسجد احکامی دارد که با خراب شدنش نیز باقی می باشند البته خود همین بحثی است که اگر مسجد خراب شود عرصه آن هنوز مسجد محسوب می شود یانه، خاطریم هست که آیت الله خوئی در کتابهای خودشان دارند که در اینصورت دیگر مسجد نخواهد بود زیرا مسجد به آن هیئت و شکل خاص گفته می شود که دیگر از آن حالت خارج شده لذا احکام مسجد بر آن بار نمی شود بر خلاف برخی دیگر از فقهاء که می گویند عرصه نیز حکم مسجد را دارد و اگر مثلاً شهرداری می خواهد خراب کند و خیابان بسازد باید علامتی بگذارد تا مثلاً اشخاص جنب و حائض وارد آنجا نشوند و یا اعمالی که هتک حرمت مسجد محسوب می شود بجا آورده نشود.

فرع دیگری که مطرح شده این است که واقف می تواند وقف کند و شرط کند که خودش ناظر باشد یعنی نظارت بر وقف را برای خودش قرار بدهد و همچنین می تواند نظارت را برای دیگری قرار بدهد، صاحب جواهر این بحث (نظارت بر وقف) را بنحو وافی و کافی در جواهر مطرح کرده و فرموده: «وکیف کان فلا إشکال فی أنه یجوز أن یجعل الوقف النظر فی الموقوف لنفسه خاصة ولغيره كذلك ولهما معا علی الاشتراك والاستقلال... الی آخر کلامه»^۱.

صاحب جواهر در ادامه یک مطلبی را بیان کرده و فرموده برای عدالت ناظر دلیلی نداریم اما در وقف حضرت امیر علیه السلام که بعداً خواهیم گفت حضرت فرموده کسی بر این وقف نظارت کند که اهل اعتماد و اهل امانت باشد، در وسائل الشیعة و در باب ۱۰ از ابواب وقوف و صدقات احادیث زیادی از اهل بیت علیهم السلام در این رابطه نقل شده است که مطالعه بفرمائید، حضرت امیر علیه السلام در وقفشان فرمودند وقف کردم ولیکن باید در اختیار کسی باشد که هدی

و مشی او خوب باشد مسلمان و مورد وثوق باشد و اهل امانت باشد حالا ما باید ببینیم آیا اینکه حضرت اینطور فرموده دلیل بر اعتبار این اوصاف در مورد ناظر در وقف می باشد یا نه؟ که ما عرض می کنیم خیر اینطور نیست زیرا اولاً حضرت این کار را کرده ولی لا یتفاد منه که اینها شرط باشند بلکه کار بسیار خوب و پسندیده ای می باشد ثانیاً برای اعتبار چنین اوصافی در مورد ناظر در وقف نیاز به دلیل دیگری داریم که چنین دلیلی وجود ندارد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

^۱ جواهر الکلام، شیه محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۲۲.